

# آن بهترین پدر که وجودش نشان عدل بر سینه ستر جهان می‌زند، علی(ع) است

**رودرسی**— چهره پر وانه‌های احساس، گل انداخته و بوی عشق همه جا را متبرک کر کرده است. عقر به‌ها، به مهمانی خنده رفته‌اند. کعبه، در هلهله فرشتگان، برای میلاد عشق، لحظه شماری می‌کند؛ ای فاطمه، دختر اسد! اندکی درنگ کن، هم اکنون کعبه را خواهی دید که از شوق حضور طفل تو، سینه‌خواهد شکافت! کعبه، آغوش گشود و فاطمه را چون جان شیرین پذیرا شد. صدای همهمه، بالا و بالاتر رفت؛ آفتاب طلوع کرد؛ آری، خاتم الوصیین، مولی‌الموحدین، امیر المؤمنین، علی بن ابیطالب(ع) دیده به جهان گشود. امام علی(ع) به حکم حدیث نبوی «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوا هَذِهِ الْأُمَّةِ»، پدر امت است؛ پدری مهربان و دلسوز که جز رستگاری و سعادت فرزندان‌ش در دو جهان را نمی‌خواهد. شگفتا که وقتی قصاید و اشعار شعرا و ادیبان معاصر امیر مؤمنان(ع) را، همانان که دل در گرو مهر مولود کعبه داشتند، مرور می‌کنیم، بسیار به‌واژه پدر بر می‌خوریم. به یاد دارم که یک بار در حضور استادی ارجمند، شعری از مالک اشتر، یار با وفا و محبوب امام علی(ع) خوانده شد که در آن، مالک اشتر، امیر مؤمنان(ع) را «پدر» خطاب کرده‌بود. مرحوم

# مشارکت بانوان در حکومت امیر مؤمنان(ع)

## در ایام ولادت امام علی(ع)، در گفت‌وگو با دکتر مهدی مجتهدی، استاد تاریخ اسلام به بررسی ناشنیده‌هایی از نقش تربیتی آن حضرت در جامعه اسلامی، تأثیر پذیری بانوان از این تربیت و نقش آفرینی آن‌ها در امور انتظامی، قضایی و ... حکومت علوی پرداختیم

**جواد نوائیان رودرسی**— در آستانه سالروز ولادت باسعادت امیر مؤمنان(ع) قرار داریم؛ امام و مقتدایی که سیر هاش به اقیانوسی بی‌کران و پهناور شبیه است، اقیانوسی که هر چه در آن راه طی می‌کنی، بیشتر می‌یابی، بیشتر می‌بینی و باز می‌فهمی که آن‌چه در نظر تو بیشتر است، فقط جرعه‌ای از این اقیانوس محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که می‌توان در سیر امیر مؤمنان، امام علی(ع) مشاهده کرد، تلاش بی‌وقفه او برای تربیت مردم و باز گرداندن آن‌ها به همان روش الهی(سول خدا(ص)) است که خیر دو جهان را به نوع‌بشر ازانی می‌کند.
باین حال، شاید بسیاری از ما، غافلانه از کنار این حقیقت مهم عبور کرده‌ایم که امام علی(ع) به عنوان «پدر امت» و امام برحق مسلمین، مسئولیت تربیت همه

مردم، اعم از مردوزن را بر عهده داشت و در این رهگذر، چه بسیار بانوانی تربیت یافتند که در تاریخ، نامشان به عنوان قهرمانان عدالت‌خواهی و تربیت‌یافتگان راستین مکتب علوی، ماندگار شد. در گفت‌وگو با دکتر مهدی مجتهدی، استاد تاریخ اسلام و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی، به این موضوع جذاب رو در دیدم و کوشیدیم تا ضمن بررسی مشارکت بانوان در حکومت علوی، اثر تربیتی سیره امام علی(ع) را بر زنان هم‌عصر آن حضرت، بررسی کنیم. پیش از مطالعه این مطلب خواندنی، یادآوری دو نکته ضروری است: اولاً برای پیوستگی متن، سوالات ارحدف کرده‌ایم و ثانیاً، برای استناد بیشتر، روایات و احادیث مورد اشاره در کتبر مجتهدی و نیز، پاره‌ای توضیحات اضافه را داخل پرانتز و درون متن آورده‌ایم.

امیر مؤمنان(ع)، هر جایک طرف دعوا زن و وجود دارد و نیاز به بررسی‌های خاص پیدا می‌شود، بانوانی حضور دارند که فعالیت کارشناسی و قضایی انجام می‌دهند تا حریم محرم و نامحرم حفظ شود.

**■ بانوان و آموزش‌های سیاسی واجتماعی دولت علوی**
به نظر می‌آید که ما باید برای بانوان، در فرایند آموزش کلان جامعه علوی و سیاست‌های آن حضرت در این زمینه، جایگاه ویژه‌ای قائل شویم. امام علی(ع) افزایش آگاهی جامعه را وظیفه خود می‌دانست و برای مردم نقشی را در حکومت قائل بود که در دوره خلفای قبلی سابقه نداشت. این رویکرد، برای همه مسلمانان، اعم از مردوزن، بسیار جذاب بودو به همین دلیل، در ذهن و فکر آن نهادینه می‌شد و در واقع، تحت‌تأثیر این تربیت عملی قرار می‌گرفتند. مردم از امیر مؤمنان(ع)، فقط سخنرانی‌های جذاب و آتشین نمی‌شنیدند و آن‌چه در باره عدالت می‌فرمود، فقط در کلام مبارکش تبلور نمی‌یافت. او آن‌چه را که می‌گفت، در عمل رفتاری می‌کرد و آن را در کردار و سیره عملی‌اش، پیش‌روی امت قرار می‌داد. برخورد او با شکایت سوده هُمدانی که در ادامه به روایت شگفت‌انگیز آن اشاره خواهیم کرد، ریشه در همین رویکرد دارد.

**■ وقتی حاکم بودن شغل لوکس نیست!**

امیر المؤمنین(ع) در برابر کوتاهی و خطای کار گزارانش کوتاه نمی‌آمد و افزون بر این، اصلاً برای پوشاندن این کوتاهی‌ها هم تلاش نمی‌کرد؛ بر عکس، دستور می‌داد این خطاها علنی شود و بر خورد صورت گیرد. البته این خطاها در میان کار گزاران امیر المؤمنین(ع)، به نسبت کار گزاران خلفای قبل و بعد از آن حضرت، رقمی نبود و اصلاً به چشم نمی‌آمد، اما امام علی(ع) همین خطاها را اندک‌اندک برای بزرگ می‌دانست و مجازات‌های سنگینی برای خاطیان در نظر می‌گرفت. بگذارید به زبان ساده و صریح بگویم که کار گزار حکومت علوی بودن، اصلاً شغل لوکسی نبود! بسیار هزینه داشت و پر مخاطره بود. کار گزاران حکومت علوی، حتی برای یک شام خوردن یا اشراف هم به شدت مؤاخذه می‌شدند. عثمان بن حنیف انصاری، کار گزار امام علی(ع) در بصره، آدم خوبی بود؛ فقط در یک ضیافت شام که از سوی اشراف بصره بر گزار شد، شرکت کرد، اما به همین دلیل، از امیر المؤمنین(ع)، اخطاریه و کارت زرد گرفت. بنابر این، بانوان هم، مانند مردان، می‌دیدند که عدالت علوی، فقط شعار نیست و باز خواست از حاکم درباره به عدالتی‌های خطاها، یک حق عمومی محسوب می‌شود و امام(ع)، رسیدگی به چنین اعتراضاتی را خارج از روال بوروکراتیک انجام می‌دهد و در صورت احراز خطا و اشتباه، فوری‌خاطی را تنبیه و مجازات می‌کند و حتی او را از کار کناری گذارد.

**■ روایت شگفت‌انگیز سوده همدانی**

حالا که این مقدمه نسبتاً طولانی را گفتیم و به این موضوع مهم اشاره کردیم که بانوان هم در حکومت علوی، مانند مردان، از تربیت علوی برخوردار بودند، خوب است با ذکر مثالی مناسب، بحث را کامل کنیم و به سراغ زنان عدالت‌خواه مکتب امیر المؤمنین(ع) برویم. مباحث مربوط به این موضوع، در برخی متون قرون اولیه اسلامی وجود دارد،

**■ ذکر یک مقدمه ضروری**

آن چه می‌خواهم در آستانه ولادت باسعادت مولی‌الموحدین، امیر المؤمنین، امام علی(ع)، خدمت شما خوانندگان گرامی روزنامه خراسان عرض کنم، نیاز به مقدماتی دار؛ مقدمه‌ای که دانستن آن می‌تواند در شناخت آن‌چه در گفت‌وگو عرضه می‌شود، مؤثر باشد. ما، چه در زمان حیات ظاهری امام علی(ع) و چه بعد از شهادت مظلومانه آن حضرت در جامعه علوی با زنانی روبه‌رو می‌شویم که جنبه‌های عدالت‌خواهی و ستم‌ستیزی در بیان و رفتار آن‌ها بسیار برجسته است؛ این‌ها بانوان تربیت‌یافته مکتب علوی هستند که حتی در جایی مانند دربار معاویه که مظهر ظلم و ستم در آن عصر است، فریاد عدالت‌خواهی سر می‌دهند و از قدرت ظاهری و دنیوی امویان ابدان نمی‌هراسند. حدیث مشهوری در کتاب‌های معروف روایی داریم که از قول رسول خدا(ص) نقل شده است: «من و علی دو پدر این امت هستیم» (أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوا هَذِهِ الْأُمَّةَ— معانی الاخبار، ص ۵۲، موسسه نشر اسلامی) این روایت به شکل‌های گوناگون، هم در مصادر شیعه و هم در مصادر اهل سنت آمده است، مثلاً (حَقٌّ عَلِيٌّ عَلٰی هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلٰی وَلَدِهِ) (تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۰۷ و ۲۰۸، دار الفکر). طبق

این روایت، امیر مؤمنان(ع)، پدر امت اسلامی است، امت را باید به معنای عام بگیریم و حق او نیز بر فرد فرد مسلمانان، مانند حقی است که پدر بر گردن فرزندش دارد. وقتی در این مفهوم، با دقت بنگریم، مفهوم شفیق، فراتر و برتر از آن می‌بینیم؛ چون در آن از کلمه «حق» استفاده شده است. در کنار این روایت، روایت دیگری هم از امام(ضاع) داریم که بسیار مفصل است و در فرازی از آن، می‌فرماید: «الْإِمَامُ الْأَبْنَسِيُّ الْفَرِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ» (تحف العقول، ص ۴۳۹، مؤسسه النشر الاسلامی)، امام و حجت خدا، پدری دلسوز است، ایادمان باشد که در عربی، مفهوم شفیق، فراتر و برتر از مفهوم «مهربان» در زبان فارسی است. پس امام، پدر دلسوز امت است؛ بدیهی است که در مقابل این حق، وظایفی را هم بر عهده دارد؛ یعنی حقی که در باره آن صحبت می‌کنیم، ابتدا یک طرفه نیست. در خطبه ۳۴ بهج‌البلاغه، امام علی(ع) به این حق دو طرفه اشاره کرده و فرموده است: «إِنَّمَا النَّاسُ، إِنْ لِيَ غَلِيظُكُمْ خَفًا، وَلَكُم عَلَيَّ حَقٌّ. فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَأَلْتَصِخَّةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فِتْنِكُمْ عَلَيَّكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْبَمَا تَعْلَمُوا. وَأَمَّا حَقِّي عَلَيَّكُمْ فَأَلَوْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَالتَّصْبِیحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِیْبِ. وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ؛ ای مردم! هم من بر شما حقی دارم و هم شما بر من حقی دارید. حق شما بر من، یکی نصیحت شماست – که البته معنای وفادار بهمانند، در حضور و غیبت من، خیرخواهم – و دیگری فراهم آوردن و افزایش فی و اموال عمومی برای شماست – که مربوط به بحث تأمین و رفاه اقتصادی است – و این که شما را آموزش دهم تا نادان نمانید و نباشید – و در واقع شما را در مسیری قرار بدهم که بدانید و آگاه باشید – در مقابل این‌ها من هم حقی بر شما دارم؛ این که به بیعت خودتان وفادار بمانید، در حضور و غیبت من، خیرخواهم باشید، وقتی شما را برای کاری فرامی‌خوانم، اجابت کنید و هر وقت دستوری می‌دهم، از آن اطاعت کنید. نکته‌ای که در این جا قابل ذکر به نظر می‌رسد، مقدم بودن حق مردم بر حاکم است؛ اگر حاکم حق مردم را ادا کند، همان چهار حقی را که امیر مؤمنان(ع) به آن‌ها اشاره کرده است، چهار حق دوم، یعنی حقی که حاکم بر گردن مردم دارد، خود به خود رقم خواهد خورد. در این جا تأکید من بر جمله

تهدید کنی؟! حالا که این طور است دستور می‌دهم تو را بر

پالان شتر سر کنشی بنشانند و با همین وضع به یمن بیرند؛ به بُسر می‌نوسیم که هر کاری دلش خواست تا تو انجام دهد. صحبت که به این جار رسید، سوده گریست و شعری به این مضمون خواند: «درود خدا بر روحی که زمین او را در خود گرفت و عدالت در مرقد او مدفون شد. با حق پیمان بست که غیر او را نجوید و همواره با حق و ایمان قرین بود.» معاویه پرسید که منظور سوده در این شعر، چه کسی است؟ او پاسخ داد: علی بن ابی‌طالب! معاویه پرسید: از علی چه می‌دانی؟ سوده خاطره اش از دیدار با امیر مؤمنان(ع) نقل کرد و گفت: مردی از مأموران جمع‌آوری مالیات، در دولت علی، آمده بود تا بابت حیوانات، از ما مالیات بگیرد و محاسبه، بی‌انصافی کرد. من به اعتراض نزد علی رفتم. او مشغول نماز خواندن بود. چون از نماز فارغ شد، گفت: حاجتی داری؟ موضوع را نقل کردم. او گریه کرد و دست به آسمان برداشت و گفت: خدایا! تو شاهدی که من به آن هادستور ندادم یا خلق تو چنین رفتار کنند. آن‌گاه نامه‌ای برای مأمور خود نوشت و پس از مقدمه‌ای قرآنی که در آن نصیحتی بزرگ نهفته بود، تصریح کرد: هنگامی که نامه‌ام به دست رسید، آن‌چه از مالیات نزد توست، حفظ کن تا فرد دیگری بیاید و آن را از تو تحویل بگیرد و اسلام. سوده می‌گوید: نامه را در حالی از علی گرفتم که به پیچیده شده و نه آن را لاک و مهر کرده بود. معاویه وقتی با این مسئله روبه‌رو می‌شود، ناچار است واکنشی متفاوت نشان دهد. اطراف او را در بار یانش گرفته‌اند و پسر ابوسفیان، سخت به حفظ ظاهر تنگید دارد. به همین دلیل، با وجود این که مایل نیست، می‌گوید: خدا ابوالحسن را رحمت کند. به حاکم یمن بنویسید که با این زن به عدالت رفتار کند. واکنش سوده به این اقدام معاویه، بسیار در خور توجه است. او می‌گوید: آیا این دستور تنها برای رفتار عادلانه با من است یا با همه مردم؟ معاویه می‌گوید: فقط برای توست. و تو، با مردم کاری نداشته باش. سوده بی‌پروا می‌گوید: به خدا سوگند چنین حکمی زشت و قابل سرزنش است. اگر عدالت است، باید شامل همه باشد و گرنه من هم یکی از افراد قومم هستم. این جا معاویه لب به اعترافی عجیب می‌گشاید که می‌تواند مستندی از نوع رفتار امام علی(ع) با مردم و نحوه تربیت آن‌ها باشد که پیشتر به آن اشاره کردیم. او می‌گوید: «هیئات لمظلمک علی بن ابی طالب الجرة علی السلطان فیطیء ما تظلمون؛ علی بن ابی‌طالب، طعم و مزه اعتراض در برابر حاکم و سلطان را به شما چشانده است و خیلی سخت بتوان این مسئله را از سر شما بیرون کرد! بعد دستور می‌دهد که بنویسند با قوم سوده به عدالت رفتار شود. نکته مهمی است؛ کسانی که در مکتب علوی تربیت شده‌اند، یاد گرفته‌اند که وقتی ظلمی دیدند، با جرئت بیایند و اعتراض کنند. امام علی(ع) حجت خداست؛ اصلاً در این تردیدی نیست، اما می‌خواهد به مردم این اصل مهم را یاد بدهد؛ خودش را با همه عظمتی که دارد، پایین می‌آورد و در معرض نقد مردم قرار می‌دهد. به اعتراضات حق، بدون لحاظ چرخه بوروکراتیک رسیدگی می‌کند. این چنین است آن تربیتی که درباره‌اش صحبت کردیم.

